

سیاست خارجی و مواضع دولت ایران و دولت‌های عربی در قبال جنگ سی و سه روزه لبنان

عباس کشاورز شکری*^۱

هاجر صادقیان^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۲

چکیده

هدف نوشتار حاضر بررسی مواضع و دیدگاه‌های دولت ایران و دولت‌های عربی در قبال جنگ سی و سه روزه لبنان است. در این جنگ که آمریکا و پشتیبانان غربی رژیم صهیونیستی پیروزی بر حزب‌الله را در ظرف مدت یک هفته پیش‌بینی می‌کردند؛ دفاع حساب‌شده حزب‌الله سی و سه روز ادامه‌یافت و رژیم تا دندان مسلح صهیونیستی مجبور به پذیرش شکست شد. در این میان دولت‌های منطقه مواضع متفاوتی را اتخاذ کردند. در این راستا بر مبنای نظریه سیاست خارجی و سیاست‌گذاری بین‌المللی روزنا و با روش تحلیل اسنادی ابعاد و کم و کیف این جهت‌گیری‌ها بررسی و برای جمع‌آوری داده‌ها به منابع و مراجع مختلف قابل دسترس مراجعه شده‌است. نتایج نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی خود را بر مبنای ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی و جهت‌گیری ایدئولوژیکی خاص خود، به حمایت از مقاومت اسلامی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، تبلیغاتی و... در کل منطقه خاورمیانه اعلام کرده‌است. از میان کشورهای عربی مواضع شش کشور که نقش بارزتری را در جریان جنگ سی و سه روزه لبنان داشتند انتخاب شدند. مثلث عربستان سعودی، مصر و اردن در جبهه مخالف لبنان دسته‌بندی می‌شوند که با امید به پیروزی رژیم صهیونیستی و آمریکا و حمایت از آنها، به مخالفت با لبنان و جبهه‌گیری پرداختند، اما در کنار اینها کشورهایی مانند سوریه، قطر و یمن از لبنان حمایت کردند. موضع‌گیری رسمی و دیپلماتیک، تبلیغاتی و دینی، فتوای صادرشده از جانب اعراب و... از جمله مواضعی است که بدان اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: جنگ سی و سه روزه لبنان، حزب‌الله، دولت‌های عربی، دولت ایران، خاورمیانه.

*۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد. نویسنده مسئول: keshavarz@shahed.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد

مقدمه

آنچه طی سی و سه روز میان رژیم صهیونیستی و لبنان اتفاق افتاد یک درگیری ساده نبود جنگ بود؛ جنگی در ابعاد وسیع منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای که به دنبال خود واکنش‌ها، مواضع و نتایج گسترده‌ای را به همراه داشت. بنابراین ارزیابی در ابعاد گسترده را می‌طلبد. با وجود جنگ‌های گوناگون رژیم صهیونیستی با کشورهای عربی و همسایگان خود، جنگ سی و سه روزه لبنان از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. این جنگ به دلیل گستردگی و مدت طولانی آن به جنگ ششم معروف است و هزینه‌های سنگین و قابل ملاحظه‌ای را برای طرفین بر جای گذاشت. جنگ ششم به تحولات و ایجاد معادلات جدیدی در سطح لبنان، منطقه و جهان موجب شد.

بنابراین جنگ سی و سه روزه و مقاومت حزب الله در برابر رژیم صهیونیستی، نقطه عطفی در تحولات و رویدادهای منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود و تأثیر و تأثراتی را در منطقه و جهان بر جای گذاشته است. علاوه بر عملکرد کشورهای جهان، مواضع دولت‌های منطقه که به نوعی دارای اشتراکاتی با لبنان هستند در جریان این جنگ حائز اهمیت است، چراکه در کنار الزاماتی چون پیمان مشترک عربی و مسائل اخلاقی که کشورهای عربی را در قبال کشور همسایه متعهد می‌سازد؛ امنیت ملی عربی، منافع ملی مشترک و موازنه‌های منطقه‌ای حکم می‌کند که این کشورها موضع واحدی در برابر رژیم صهیونیستی اتخاذ کند. در پرتو این الزامات قانونی، اخلاقی و عملی، این دولت‌ها باید حداقل در همکاری با لبنان و پشتیبانی سیاسی و اقتصادی از این کشور به منظور مقاومت و مقابله با دشمن صهیونیستی کوتاه نمی‌آمدند (عبده و رسولی، ۱۳۸۹: ۳-۲).

بررسی و درک دیدگاه‌ها و مواضع دولت‌های منطقه در قبال جنگ سی و سه روزه لبنان از اهمیت زیادی برخوردار است، چراکه به طور مسلم می‌تواند آینده کل خاورمیانه را در میان مدت و درازمدت تحت تأثیر قرار دهد. به علاوه مواضع اتخاذ شده تأثیرات قابل توجهی بر مؤلفه‌های قدرت در داخل کشورها و نیز در روابط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر جای می‌گذارد.

این نوشتار بر آن است تا به این مسئله بپردازد که سیاست خارجی و مواضع دولت ایران و دولت‌های عربی در قبال جنگ سی و سه روزه لبنان چگونه بوده و چه نتایجی را به همراه داشته است؟ بر این اساس پس از بررسی مختصر جهت‌گیری رفتاری دولت‌ها در قالب نظریه سیاست خارجی روزنا که کلیت موضع و رویکرد این دولت‌ها را مشخص می‌سازد، به تفکیک ابعاد مختلف موضع‌گیری آنها در

قبال جنگ سی و سه روزه لبنان بررسی می‌شود.

الف - مبانی نظری

از آنجاکه مواضع دولت‌ها برآمده از سیاست خارجی آنهاست، بنابراین سیاست خارجی دولت‌های موردنظر بر اساس نظریه‌ها و مدل‌های سیاست خارجی تبیین می‌شود. سیاست خارجی عبارت‌است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال ازپیش‌طرح‌ریزی‌شده به‌وسیله تصمیم‌گیرندگان حکومتی، که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چهارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. سیاست خارجی می‌تواند ابتکار عمل یک دولت و یا واکنش آن در قبال کنش دیگر دولت‌ها باشد (مقتدر، ۱۳۵۸: ۱۳۲-۱۳۱). هالستی در تعریف سیاست خارجی به اقدامات یک دولت در قبال محیط خارجی و شرایط داخلی مؤثر بر اقدامات یادشده می‌پردازد و سیاست خارجی را دربرگیرنده مقاصد و ارزش‌ها می‌داند، به نظر او کسانی که از سوی یک جامعه تصمیم‌می‌گیرند این عمل را بدان دلیل انجام می‌دهند که محیط داخلی و خارجی را دگرگون‌سازند یا آن را حفظ‌کنند و یا قواعد و ساختارها را که به یک مجموعه خاص روابط مربوط می‌شود تنظیم‌کنند (هالستی، ۱۳۷۳: ۳۲).

در این زمینه روزنا با عنایت به پیوند میان محیط داخل و خارج به انواع متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی توجه کرده‌است و پنج دسته از متغیرها را نام می‌برد که به‌عنوان عوامل شکل‌دهنده رفتارها در سیاست خارجی مطرح‌اند که عبارت‌اند از: متغیر ویژگی‌های فردی رهبران، متغیر نقشی، متغیر حکومتی، متغیر اجتماعی و متغیر سیستمی (قاسمی، ۱۳۸۶: ۴۴۵).

وی سعی در دستیابی به مفهوم مناسب برای برقرارکردن ارتباط میان محیط و سیاست خارجی دارد. بهترین ابزار، مفهوم تغییر است. صرف دسته‌بندی به معنای مفهوم‌سازی نیست. دانستن اینکه محیط خارجی یک جامعه از سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیرونی تشکیل شده‌است، به معنی دانستن اینکه چگونه آن جامعه ممکن است به آنها پاسخ‌دهد، نخواهد بود.

تغییر نیز با توجه به تغییرات ایجادشده در مقامات و مستخدمان، رهبران حکومتی و نقش‌ها و نیز محیط اندازه‌گیری می‌شود. حال تغییر در جامعه و محیط آن ممکن است بسیار زیاد و یا کم باشد و بدین ترتیب وی تغییرات را برحسب میزان آنها به‌صورت زیاد یا کم دسته‌بندی می‌کند. حال هر دو نوع تغییر می‌تواند در داخل یا خارج اتفاق افتد و به این ترتیب چهار نوع اساسی از چهارچوب محیطی به‌وجودمی‌آید که هر یک به سیاست خارجی متمایزی شکل می‌دهد.

۱- الگوهای رفتار سیاست خارجی

با توجه به چهار نوع چهارچوب محیطی چهار الگوی متفاوت از رفتار سیاست خارجی تشخیص داده می‌شود که به ترتیب: عادی، سرزنده، با تدبیر و متشنج نامیده می‌شود:

۱-۱- الگوی عادی

به شرایطی اشاره دارد که در آن درجه تغییر و تحولات داخلی و خارجی کم است و با کم بودن تغییرات داخلی و خارجی، فرایندهای تصمیم‌گیری روزمره حکومت‌ها برای مواجه شدن با امور داخلی و خارجی کفایت می‌کند. مقام‌های عالی‌رتبه به تدبیر درباره مناسب‌ترین پاسخ به تقاضاهای داخلی و فشارهای خارجی نیازی ندارند.

۱-۲- الگوی با تدبیر

پاسخ به شرایطی است که تغییرات داخلی در سطح پایین است و اما در مقابل تغییرات خارجی بسیار بالاست و به سبب عدم تحمیل تقاضاهای داخلی بر حکومت، مقام‌های مربوط می‌توانند به صورت دقیقی نحوه کنش در برابر تغییرات خارجی را بررسی کنند.

۱-۳- الگوی سرزنده

برای توصیف رفتار سیاست خارجی در شرایطی به‌کار می‌رود که تغییر و تحولات داخلی زیاد و تغییرات و تحولات خارجی پایین است و بدین سبب درجه بالای تغییر در داخل به تقاضاهایی منجر می‌شود که مقام‌های مربوط بایستی برای تغییر محیط و سازگار کردن آن با ساختارهای اساسی جامعه، سریع و با توان کافی عمل کنند.

۱-۴- الگوی متشنج

شرایطی است که در آن تغییرات داخلی و خارجی در سطح بالایی قرار دارند و رهبران حکومتی بایستی به‌طور سریع به تقاضاهای داخلی و فشارهای خارجی پاسخ مناسب دهند. این الگو خود سرچشمه اولیه تنش در سیستم بین‌المللی است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۴۳-۴۴۴).

بر این اساس، در صورت برقراری ارتباط میان دو محیط داخل و خارج این چهار نوع رفتار شکل

می‌گیرد که با عنایت به عنصر شدت تغییر در هر دو سطح داخلی و خارجی آنها را به شکل زیر می‌توان نشان داد:

جدول ۱- چارچوب محیطی سیاست خارجی

تغییرات داخلی	تغییرات خارجی		
		زیاد	کم
	زیاد	متشنج	سرزننده
	عادی	باتدبیر	عادی

منبع: (قاسمی، ۱۳۸۹: ۴۴۳)

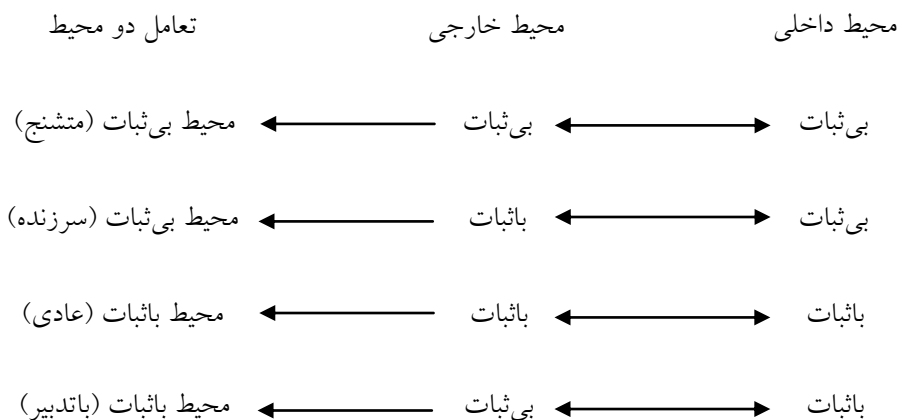
به‌طور کلی سمت‌گیری کشورها در حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌المللی محصول محیط راهبردی است که در درون آن به کنش راهبردی اقدام می‌کند. محیط مذکور با ویژگی‌های خاص خود نوع الگوی رفتاری کشورها را مشخص می‌کند. از جمله ویژگی کلی چنین محیطی ثبات راهبردی در درون آن است. مدل سیاست خارجی بر اساس این فرض شکل می‌گیرد که سمت‌گیری سیاست خارجی کشورها در عرصه روابط بین‌الملل محصول تعامل دو محیط داخلی و خارجی است.

درحقیقت الگوهای رفتاری از متغیرهای مهم در سیستم روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند. بنابراین این سؤال مهم است که علل شکل‌گیری الگوهای رفتاری کدام‌اند؟ در سیر شکل‌گیری الگوهای رفتاری، پیوند بین سطوح خرد و کلان از متغیرهای مهم و مورد توجه است که می‌تواند نحوه تصمیم‌سازی دولت‌ها را تشریح کند.

از پیوند و کنش متقابل بین محیط داخلی و خارجی نوعی ثبات یا بی‌ثباتی استراتژیک حاصل خواهد شد که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است. در این شکل به خوبی می‌بینید که وقتی رفتار استراتژیکی ناشی از محیط داخلی و خارجی کشورها بی‌ثبات باشد، نوعی الگوی رفتاری وابسته شکل خواهد گرفت. زمانی که در محیط داخل و خارج هم‌زمان ناآرامی و آشوب وجود داشته باشد و یا حتی حالت بی‌ثباتی و ناآرامی فقط در محیط داخل وجود داشته باشد، این الگوی رفتاری نقش می‌بندد.

اما زمانی که آرامش نسبی در داخل و خارج به طور هم‌زمان و یا باثباتی حداقل در محیط داخلی به وجود آید و میزان تغییرات و فشارهای وارده اندک باشد ثبات استراتژیک حاصل خواهد شد که نتیجه این استراتژی سیاست‌گذاری با ثبات خواهد بود.

شکل ۱- محیط استراتژیک سیاست خارجی



منبع: نگارنده

۲- رفتارهای سیاست خارجی

روزنا سرانجام به این نتیجه می‌رسد که با توجه به دو محیط داخل و خارج و پیوند میان آنها، چهار نوع رفتار انطباقی خارجی را از طرف بازیگران صحنه سیاست بین‌الملل می‌توان تشخیص داد که عبارت‌اند از:

۲-۱- انطباق رضایت‌مندانه

وقتی است که تقاضاهای خارجی بیش از تقاضاهای داخلی حساسیت‌یافته و در نتیجه در چنین موقعیتی چون واحد مذکور با خطر داخلی مواجه نیست، خشنودانه تن به انطباق می‌دهد.

۲-۲- انطباق طغیان‌گرایانه

هنگامی است که تقاضای داخلی بر تقاضای خارجی تقدم می‌یابد. در چنین موقعیت اقدام انطباق‌گرایانه فقط صرف حفظ ساختارهای ضروری نظام می‌شود.

۲-۳- انطباق محافظتی

که هر دو دسته از تقاضاهای داخلی و خارجی در حدی گسترده حساسیت می‌یابند؛ این وضعیت مشخصه بیشتر اجتماعاتی است که دامنه حوادثشان تمامی جوانب زندگی را دربرمی‌گیرد.

۲-۴- انطباق ارتقایی

که هر دو نوع تقاضاهای داخلی و خارجی از حساسیت خاصی برخوردار نیستند و در اینجا سیاستگذاران خود را قادر می‌بینند که سناریوهای لازم را برای پاسخ‌گویی به نیازهای سیستم ترسیم کنند (قاسمی، ۱۳۸۸: ۴۴۴-۴۴۵).

بر این مبنا به خوبی می‌توان با تشریح محیط‌های داخل و خارج کشورهای مورد مطالعه، این تحقیق سیاست خارجی و فرایند سیاستگذاری آنها را در قبال جنگ سی و سه روزه دریافت. بر مبنای این کلیت نظری نحوه تصمیم‌گیری و سیاست خارجی هر دسته از کشورها در قسمت مربوط به خود بررسی و پس از تشریح ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی آنها کاربست می‌یابد.

۳- نظریه شبکه منطقه‌ای و مدل سیستم منطقه‌ای خاورمیانه

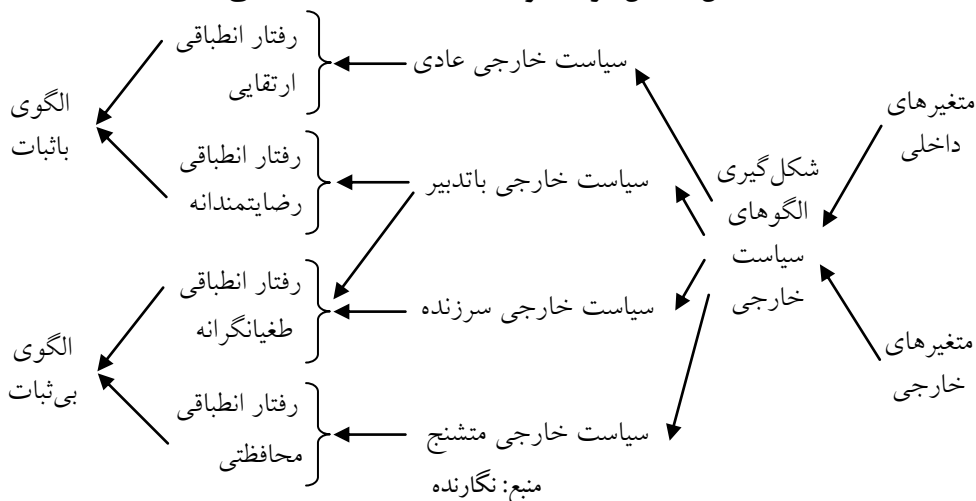
مدل تحلیل منطقه خاورمیانه بدون توجه به نظریه شبکه منطقه‌ای امکان‌پذیر نیست. شبکه‌های ژئوپلیتیکی منطقه‌ای در گونه‌های پنج‌گانه سامان‌یافته، تصادفی، فاقد معیار، سلسله‌مراتبی و چرخه‌ای طرح می‌شوند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۰). حوزه خلیج فارس شامل کشورهای ایران، عراق، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (امارات متحده عربی، بحرین، عربستان سعودی، عمان، قطر و کویت) و همین‌طور یمن است که دارای هم‌جواری جغرافیایی استراتژیک با عربستان و عمان است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۶۷). در حوزه خلیج فارس دو بخش مرکز و پیرامون قابل تشخیص است. بخش مرکزی شامل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، و از سوی دیگر ایران و عراق شکل‌دهنده بخش پیرامونی حوزه تابع خلیج فارس هستند که در عمل به علت ویژگی‌هایی از بخش مرکزی حذف شده‌اند، ولی به دلیل جغرافیایی، در سیستم تابع دارای نقش بوده و درجه اثرگذاری آنها بر نظم منطقه‌ای بسیار بالاست (قاسمی، ۱۳۸۲: ۴۳). از سوی دیگر شامات حوزه‌ای دیگر از شبکه خاورمیانه و شامل سوریه، اردن، مصر و لبنان است که البته در معرض خطر مستقیم رژیم صهیونیستی قرار داشته و علاوه‌براین رژیم، بازیگران غیردولتی ساف، حماس و حزب‌الله را نیز

دربرمی‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۶۶).

به نظرمی‌رسد با استفاده از نظریه سبیرنتیک درباره مسائل منطقه‌ای در قالب حوزه تابع شبکه خاورمیانه بتوان مدلی را برای تحلیل پژوهش حاضر فراهم کرد. چنین مدلی در دو سطح محیط داخلی و خارجی نشان‌داده می‌شود. چنین محیط‌هایی در همه سیستم‌ها ممکن است به وجود آید، اما آنچه مهم است بخش کنترلی سیستم است که نظریه سبیرنتیک توضیح‌دهنده آن است. در صورت کارایی این بخش محیط‌های مختلف تحت کنترل قرار گرفته و با وجود زمینه‌های تعارض و برخورد، برخورد اتفاق نخواهد افتاد. اما در صورت ناکارایی بخش کنترلی، بروز تعارضات و برخوردها کاملاً ممکن است. نظریه سبیرنتیک توضیح می‌دهد که حوزه خاورمیانه برای جلوگیری از رفتارهای تبعیض‌آمیز باید از مکانیزم‌های کنترل‌کننده استفاده کند. این مکانیزم‌ها بر دو قسم است: ۱- مکانیزم موازنه قوا؛ ۲- مکانیزم‌های استفاده از قدرت‌های مداخله‌گر خارج از سیستم. اگر سیستم توازن قوا کارایی نداشته باشد آنگاه مکانیزم دخالت قدرت‌های جهانی خود را به سیستم تحمیل خواهد کرد.

با توجه به بحث‌های فوق در این پایان‌نامه تلاش می‌شود سیاست خارجی کشورهای صاحب موضع در خلال جنگ سی و سه روزه مشخص شود. به این ترتیب با روشن شدن سیاست خارجی این کشورها، دلایل موضع‌گیری متفاوت در برابر جنگ سی و سه روزه تبیین خواهد شد. بر اساس مدل تبیینی روزنا سیاست خارجی هر کشور برآیند عوامل و متغیرهای محیط داخلی و محیط خارجی آن کشور است.

شکل ۲. شکل‌گیری الگوهای رفتاری در سیاست خارجی



متغیرهای داخلی از متغیرهای ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ساختارهای جمعیتی، مسائل ایدئولوژیکی و فرهنگی، مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی تشکیل می‌شود. عوامل محیط خارجی نیز شامل فشارهای سیستم بین‌المللی و سیستم‌های منطقه‌ای است و بر اساس شکل ۳ شرح داده می‌شود: در این شکل دو حوزه خلیج فارس و شامات از شبکه خاورمیانه آمده‌است. حوزه خلیج فارس شامل بخش مرکزی و بخش پیرامونی است. بخش مرکزی شامل کشورهای عربستان، امارات، بحرین، کویت، قطر، عمان است. بخش پیرامونی شامل دو کشور ایران و عراق و همچنین کشور یمن است. عامل شکل‌دهنده به نظم و امنیت منطقه‌ای، دو سیستم موازنه قوا و سیستم مداخله‌گری هژمونیک در منطقه است. هرگاه سیستم موازنه قوای منطقه‌ای ناکارآمد شود، هژمون فرصت مداخله‌گری در منطقه برای تأمین نظم و امنیت موردنظر خود را پیدامی‌کند. موازنه قوا در ابتدا و قبل از سقوط صدام حسین از طریق موازنه میان ایران و عراق انجام می‌شد. پس از سقوط صدام، کشورهای مرکز در اثر احساس عدم امنیت، فرصت حضور و مداخله‌گری مستقیم قدرت هژمونیک، یعنی ایالات متحده را در منطقه پدیدآوردند تا نظم و امنیت موردنظر آنها به نفع ایران برهم‌نخورد.

حوزه شامات نیز دارای قسمت‌های مرکزی و پیرامونی است. کشورهای مرکزی این حوزه شامل مصر، اردن، سوریه و لبنان است. بازیگران غیردولتی فتح، حماس و حزب‌الله نیز نقش خود را در مرکز ایفای می‌کنند. رژیم صهیونیستی پیرامون این مرکز قرار گرفته و با داشتن اتحاد استراتژیک با قدرت هژمونیک، یعنی ایالات متحده و داشتن سلاح هسته‌ای تبدیل به قدرت منطقه‌ای شده‌است. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، موازنه قدرت در منطقه شامات به نفع رژیم صهیونیستی تغییر کرد. قبل از آن اتحاد جماهیر شوروی از سوریه حمایت کرده و موازنه قوا را میان طرفین حفظ می‌کرد. در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ میلادی ایران از طریق گسترش همکاری‌های خود با سوریه و حمایت از حزب‌الله و حماس عمق استراتژیک خود را تا منطقه شامات افزایش داده و به‌عنوان حلقه پیوند میان حوزه خلیج فارس و حوزه شامات مطرح شد و به این ترتیب موازنه قوا تا حدودی به نفع گروه‌های مقاومت و سوریه برقرار شد. جنگ سی و سه روزه رژیم صهیونیستی با حزب‌الله به خاطر بازگرداندن قدرت ایران به منطقه خلیج فارس و برهم‌زدن موازنه به نفع رژیم صهیونیستی بود.

ب- سیاست خارجی دولت ایران نسبت به جنگ سی و سه روزه

۱- مدل سیاست خارجی دولت ایران در دوره جنگ سی و سه روزه

۱-۱- ویژگی‌های محیط داخلی ایران

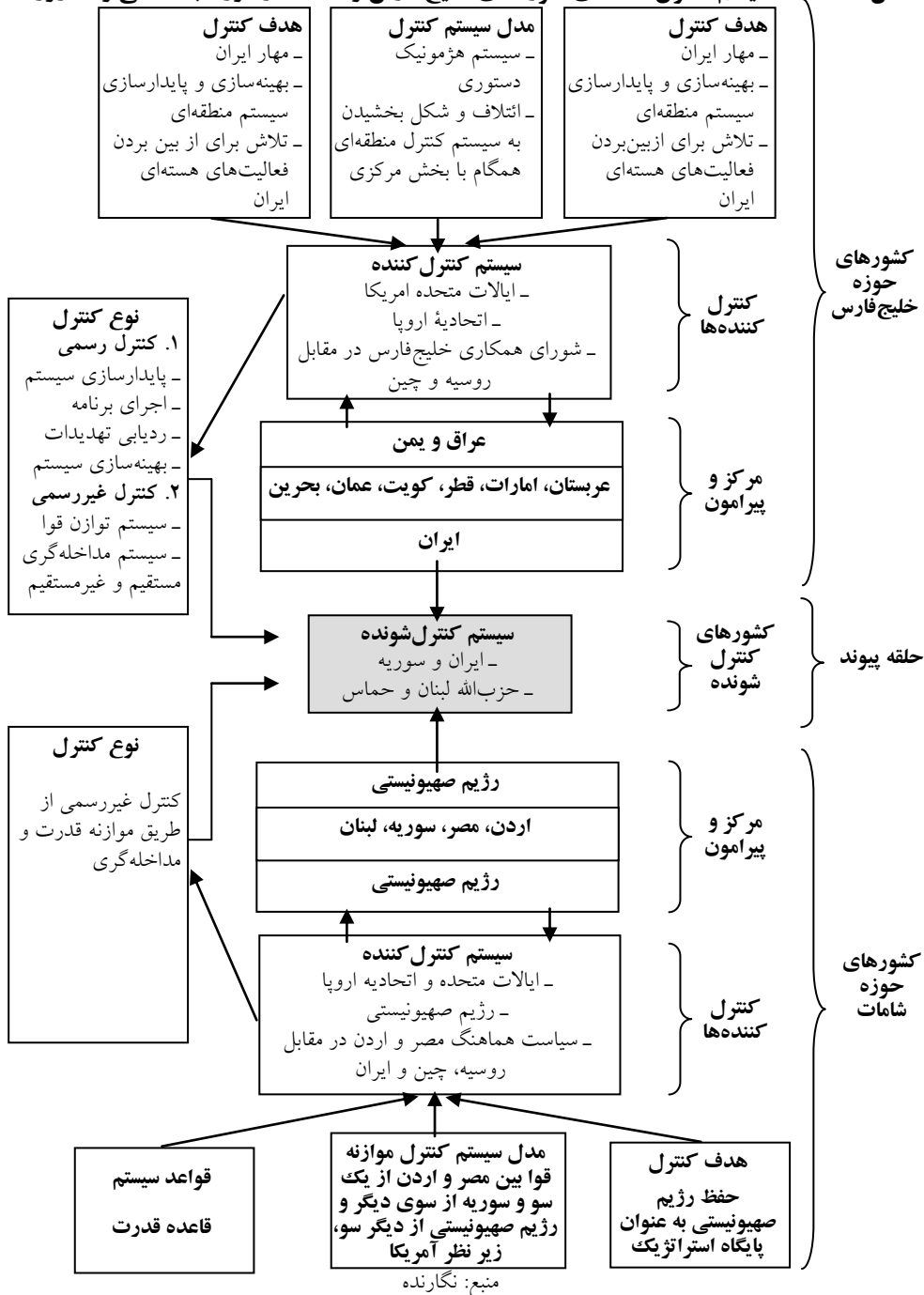
ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ویژگی‌های منحصر به فردی را داراست که سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گستردگی قلمرو جغرافیایی، کثرت جمعیت، دارا بودن موقع راهبردی دریایی، زمینی و تنگه‌ای جایگاه برتری به آن بخشیده است. فرهنگ، تمدن و تاریخ دیرینه ایران به عنوان یک کشور و ملت باستانی و نقش آفرین در تاریخ و تمدن جهانی و انسانی موجب تأثیر عمیق عوامل فرهنگی در سیاست خارجی آن می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۲). علاوه بر این دولت ایران با توجه به ایدئولوژی اسلامی جهت‌گیری سیاست خارجی خود را بر اساس نشانه‌هایی از تجدیدنظرطلبی نسبت به وضع موجود نظام بین‌الملل و سیاست نه شرقی - نه غربی سازمان‌دهی، و فرهنگ مقاومت‌گرایی را تقویت کرده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲۸).

از دیگر عوامل باثباتی محیط داخلی ایران می‌توان به ویژگی‌های سیستم سیاسی و عامل قدرت اشاره کرد. ایران با داشتن جمعیتی دو برابر مجموع کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان یک قدرت منطقه محسوب می‌شود. وجود نیروهای مسلح کارآموده نظامی و قابلیت بهره‌گیری از بسیج مردمی و ساخت انواع تجهیزات نظامی جز قدرت ملی ایران به حساب می‌آید (صفوی همای، ۱۳۸۷: ۶۸). افزون بر قدرت داخلی، دولت ایران در زمان جنگ سی و سه روزه با معضل داخلی خاصی که امنیت ملی را تهدید کند روبرو نبوده و ثبات داخلی حکمفرما بوده است.

۲-۱- ویژگی‌های محیط خارجی ایران

ایران به دلیل واقع شدن در منطقه استراتژیکی خلیج فارس دائماً تحت فشارهای سیستمیک بین‌المللی و منطقه‌ای قرار دارد. مهم‌ترین فشار سیستمی خارجی در سطح بین‌المللی بر ایران فشار حاصله از ساخت کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت ایالات متحده آمریکا است. از بعد منطقه‌ای نیز ایران دارای جایگاه ژئوپلیتیکی بسیار مهمی است؛ چراکه به صورت هم‌زمان با دو سیستم تابعه منطقه‌ای خلیج فارس و شامات در ارتباط است. در سیستم تابعه خلیج فارس شرایط و زمینه‌ها به گونه‌ای است که پیوندی مستحکم میان سیستم بین‌الملل و کارگزار اصلی آن، یعنی ایالات متحده و نظم منطقه‌ای آن فراهم می‌کند که خود می‌تواند سبب‌ساز شکل‌گیری تهدیدهای مختلفی باشد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۴۳).

شکل ۳- ساخت سیستم کنترل منطقه‌ای حوزه‌های خلیج فارس و شامات در دوره جنگ سی و سه روزه



ایران در دوران جنگ سی و سه روزه در محیط عملیاتی سیاست خارجی خود با نوعی فشار ساختاری عمده از جانب محیط بین‌المللی و سیستمی روبرو بوده است. تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخصصی و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم از طریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای و یا جهانی، و نیز فشارهای ناشی از بافت کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت آمریکا به‌عنوان قدرت هژمون در برابر ایران، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ایران منجر شده است.

۱-۳- مدل سیاست خارجی ایران در دوره جنگ سی و سه روزه

با توجه به مطالب فوق تغییرات داخلی در ایران در دوره جنگ سی و سه روزه، در سطحی پایین و محیط داخلی باثبات بود. ولی در مقابل فشارهای خارجی در سطحی بالا و محیط خارجی بی‌ثبات بود. مطابق با نظریه این مقاله در چنین شرایطی الگوی سیاست خارجی با تدبیر شکل می‌گیرد.

در سیاست با تدبیر انتظار آن است که رفتار انطباقی رضایتمندانه شکل گیرد، یعنی آنکه در چنین موقعیتی الگوی رفتاری مستقل شکل گرفته و دولت به نحو رضایتمندانه به انطباق با محیط خارجی تن می‌دهد، اما درباره ایران دخالت متغیر «ارزش‌های ایدئولوژیکی» باعث می‌شود تا ایران اسلامی نظم موجود جهانی را قبول نداشته و به نحو رضایتمندانه با آن همسو نشود. درخصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌توان چنین ابراز نظر کرد که تعامل میان متغیر فشارهای محیط خارجی و متغیر فشارهای محیط داخلی و همچنین متغیر ارزش‌های ایدئولوژیکی باعث آن شده که سیاست، با تدبیر و الگوی رفتاری، مستقل باشد، اما چون ارزش‌های محیط خارجی با ارزش‌های انقلاب اسلامی ناسازگار است، به انطباق با فشارهای محیط خارجی تن ندهد.

در چنین شرایطی به جای الگوی رفتاری انطباق رضایتمندانه، الگوی رفتاری انطباق طغیان‌گرایانه شکل گرفته است که مکانیزم و سازوکاری برای سازش میان منافع و اصول از یک سو و توان‌ها، محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها از سوی دیگر است. به عبارتی روشن‌تر، الگوی رفتاری انطباق طغیان‌گرایانه در راستای دستیابی به اصول، اهداف و آرمان‌هایی است که جنبه تغییر وضع موجود را در خود دارند. متغیر ارزش‌های ایدئولوژیکی باعث آن می‌شود که سیاست خارجی ایران معطوف به تغییر خارج و در نتیجه مخالفت با سیاست‌های هژمون باشد.

بر اساس این مبانی نظری به‌خوبی نحوه موضع‌گیری ایران در برابر لبنان و ابعاد و جنبه‌های

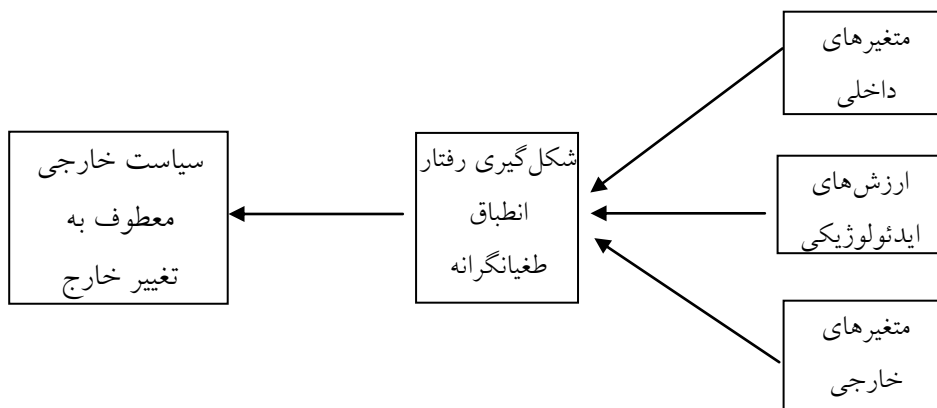
مختلف آن قابل بررسی است. در همین راستا دولت ایران حمایت از قدرت‌های موافق منطقه‌ای از جمله حزب‌الله و مبارزه با هژمونی آمریکا و هم‌پیمانان آن از جمله رژیم صهیونیستی را سرلوحه برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود قرار داده‌است.

جدول ۲- رابطه میان محیط داخلی و خارجی دولت ایران و شکل‌گیری الگوی رفتاری در جنگ سی و سه روزه لبنان

سیاست خارجی کشور ایران	دولت
	محیط
باثبات	محیط داخلی
بی‌ثبات	محیط خارجی
باتدبیر	نتیجه

منبع: نگارنده

شکل ۴- مدل شکل‌گیری الگوی رفتاری انطباق طغیانگرایانه در سیاست خارجی ایران در دوره جنگ سی و سه روزه



منبع: نگارنده

۲- مواضع سیاسی دولت ایران نسبت به جنگ سی و سه روزه

۲-۱- مواضع گیری رسانه‌ای و تبلیغاتی

۲-۱-۱- رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری

نقش رسانه‌ها در دنیایی که آن‌ها ابزار قدرتمند تأثیرگذاری در عرصه بین‌المللی به‌شمار می‌رود، در تبلیغات مختلف بازرگانی، سیاسی و فرهنگی و در نتیجه شکل‌دهی افکار عمومی بیش از پیش به چشم می‌آید. افکار عمومی پدیده‌ای است که در جهان معاصر، نقشی اساسی در جهت‌گیری دولت‌ها، تغییر و تحول‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و جهانی ایفای می‌کنند. (عمیدی، ۱۳۸۷: ۳۶).

بنابراین رسانه‌های گوناگون در کنار اینکه ابزار انتقال پیام هستند، اگر در زمان انتقال پیام، جهت‌گیری خاصی داشته باشند به ابزار قدرت تبدیل می‌شوند که تخریب، تضعیف و یا تقویت می‌کنند. در همین راستا در جریان جنگ سی و سه روزه نیز رسانه‌های دولت‌های گوناگون از جمله ایران در خصوص آگاهی افکار عمومی به انتقال اخبار، رویدادها و جریان‌های جاری پرداختند. در این راستا رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ضمن شرم‌آوارخواندن سکوت مجامع بین‌المللی در قبال ادامه تجاوز به لبنان اظهارداشت: «سید حسن نصرالله به انصاف اسلام را آبرومند کرد، انسانیت و مقاومت را نشان داد، این مقاومت لبنان زنده‌شدن فرهنگ مقاومت است» (سایت شهید آوینی، روزشمار جنگ سی و سه روزه؛ هجدهمین روز، ۱۳۸۵/۰۵/۰۹). بیژن نوباوه، خبرنگار پرسابقه صدا و سیما افزود: دستاورد مقاومت اسلامی حزب‌الله بسیار بزرگ است و نتیجه هرچه باشد با مقاومت حزب‌الله، رژیم صهیونیستی نابود است. وی تأکید کرد: مقاومت اسلامی حزب‌الله اینک همان اندیشه انقلاب اسلامی است و قدرت حزب‌الله امروز قدرت جهان اسلام است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۵).

علاوه بر این‌گونه فعالیت‌ها، ایران در حمایت و همراهی با حزب‌الله و مقاومت آن و جهانی‌کردن ایثار و شهادت حزب‌الله به تهیه فیلم‌های سینمایی و مستندهایی با همکاری حزب‌الله و لبنان پیرامون جنگ سی و سه روزه اقدام کرده‌است. برای مثال می‌توان اکران فیلم سی و سه روز به کارگردانی جمال شورجه در بیروت را نام برد. همچنین می‌توان به مستند داستانی شمشیر و اژدهای محمدرضا اسلاملو اشاره کرد که با موضع جنگ سی و سه روزه، به اهداف فعلی و آینده انقلاب اسلامی ایران

می‌پردازد (سایت خبری تحلیلی عصر ایران، ۱۳۹۱/۰۱/۳۱). اینگونه فعالیت‌ها، نزدیکی اهداف و فعالیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و حزب‌الله را به‌نمایش می‌گذارد.

۲-۱-۲- سازمان‌های دینی و علما

مراجع و روحانیون ایران به طرق گوناگون حمایت خود را از حزب‌الله و مردم مظلوم لبنان اعلام‌داشتند و از این طریق با جامعه شیعی ابراز همدردی کردند. این‌گونه موضع‌گیری‌ها در آگاهی و شکل‌دهی به افکار عمومی نقش به‌سزایی داشته و به‌علاوه در همراه‌ساختن اقشار مختلف مردم با مظلومان و مستضعفان مثمر‌تر بود.

آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید کردند: امروز مسئله لبنان، نه تنها موضوعی شیعی و اسلامی، که مسئله جهانی و انسانی است و بی‌تفاوتی در برابر این تجاوز آشکار به حقوق انسان‌ها جبران‌ناپذیر است. ایشان گفتند: «اگر مظلومیت و تنهایی مردم لبنان و فلسطین در برابر حملات وحشیانه اسرائیل ادامه یابد علمای اعلام، به صدور حکم جهاد دفاعی علیه اسرائیل توجه می‌کنند».

آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز مقاومت حزب‌الله را مقاومت تمام اسلام در برابر کفر دانسته و مقاومت نیروهای حزب‌الله را تداعی‌کننده مقاومت حضرت علی (ع) دانستند (سایت شهید آوینی، روزشمار جنگ سی و سه روزه؛ سیزدهمین روز، ۱۳۸۵/۰۵/۰۳). این‌گونه موضع‌گیری مراجع و آیات عظام در دوره جنگ سی و سه روزه به وضوح مشاهده می‌شد که بیانگر همراهی علما با حزب‌الله بود.

۲-۲- موضع‌گیری سیاسی و دیپلماتیک

۲-۲-۱- دیدگاه‌ها و سیاست‌های حکومتی و رهبری

مقامات ایرانی همواره از مقاومت اسلامی تجلیل کرده و تجاوزات رژیم صهیونیستی به لبنان را محکوم می‌کنند. در این بحران ایران نخستین کشوری بود که رژیم صهیونیستی را محکوم کرد. با شکست سفر دیپلماتیک رایس به منطقه تحرک دیپلماتیک ایران بیشتر شد. ایران در چارچوب حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک از حزب‌الله و لبنان در تلاش بود با ریزنی کشورهای مهم منطقه نظیر مصر، عربستان و ترکیه مانع از بهره‌برداری مخالفان و منتقدان خارجی حزب‌الله از وضعیت موجود در حوزه مذاکرات مربوط به آتش‌بس و نحوه اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شود (انوشه، ۱۳۸۷: ۱۴۸). در این راستا، مقامات ایرانی سخنان زیادی گفتند، از جمله رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای در

تمجید از مقاومت گفت: «بازوان نیرومند حزب الله مانع تحقق رؤیای صهیونیستی در ایجاد آشوب و ناآرامی شد». ایشان رژیم صهیونیستی را غده سرطانی و منحوس می‌دانند و زمانی که کشتار جنایتکارانه قانا (۳۰ ژوئیه ۲۰۰۶ میلادی) به وقوع پیوست، با صدور بیانیه‌ای طولانی آن را به شدت محکوم و یکی از سلسله جنایات پی در پی نظامیان اسرائیلی توصیف کردند و افزودند آنچه در لبنان اتفاق افتاد ماهیت حقوق بشری آمریکا را برای همه روشن کرد و پرده از چهره طرح خاورمیانه‌ای که آمریکا به دنبال تحقق آن است برداشت. آیت الله خامنه‌ای درباره حزب الله نیز گفتند حزب الله امروز خط مقدم دفاع از امت اسلامی و تمام ملت‌های منطقه است (مسعد، ۱۳۸۹: ۴۰۹).

محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران، راه حل این جنگ را در برقراری آتش بس فوری، مجازات جنایتکاران، عذرخواهی و بازگرداندن حقوق مردم لبنان، جبران خسارت‌های سنگین و حفظ عزت و کرامت آنان و به رسمیت شناختن مقاومت مردمی این کشور می‌دانند (همان، ۱۳۸۹: ۴۱۱). رئیس مجلس شورای اسلامی وقت نیز با ابراز تأسف از بی‌تفاوتی برخی از کشورهای عربی در قبال جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین و لبنان، موضع‌گیری صریح مجالس کشورهای اسلامی را راجع به عملکرد وحشیانه رژیم صهیونیستی خواستار شد. وی افزود: ملت لبنان با نیروی ایمان در برابر هجوم گسترده اسرائیل ایستاده است (سایت شهید آوینی، روزشمار جنگ سی و سه روزه؛ چهاردهمین روز، ۴ مرداد ۱۳۸۵).

در سی و سومین روز مقاومت و با اعلام اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ برای پایان دادن به جنگ سی و سه روزه از آنجایی که مفاد آن بیشتر متمایل به منافع اسرائیل بود مقامات ایرانی واکنش‌هایی را نشان دادند. پرویز داوودی معاون اول وقت رئیس جمهور اعلام کرد: «قطعنامه اخیر شورای امنیت راه فراری برای رژیم صهیونیستی از شکست‌های پیاپی در برابر حزب الله لبنان بود». سخنگوی وزارت امور خارجه وقت کشورمان قطعنامه ۱۷۰۱ را مربوط به مردم و دولت لبنان دانست که باید درباره آن اظهار نظر و تصمیم‌گیری کند، اما گفت: «این قطعنامه نامتوازن است» (همان؛ سی و سومین روز، ۲۳ مرداد ۱۳۸۵). وزیر امور خارجه وقت ایران تجاوزات رژیم صهیونیستی را تهدیدی برای صلح و امنیت منطقه دانسته و توقف آن را لازم و حتمی می‌داند و درعین حال به انجام اصلاحات در قطعنامه شورای امنیت درباره جنگ لبنان معتقد است چون کاملاً یک‌سویه صادر شده و بیشتر در تأمین منافع رژیم صهیونیستی است (همان؛ سی و دومین روز، ۲۲ مرداد ۱۳۸۵). در مجموع می‌توان گفت مقامات جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا عدم رضایت خود از جنگ را اعلام، و آن را محکوم کردند.

۲-۲-۲- برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های سیاسی

احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران، با شرکت در اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی در مالزی که اندکی بعد از شروع جنگ تشکیل شد، موضع خود را اعلام کرد و گفت که نزاع اعراب و اسرائیل راه‌حلی ندارد، مگر نابودی کامل رژیم صهیونیستی. وی افزود قبل از این کار باید آتش‌بس برقرار شود.

احزاب و تشکل‌های سیاسی ایران نیز در حمایت از حزب‌الله و بررسی ابعاد مختلف جنگ سی و سه روزه همایش «حمایت احزاب از مقاومت در لبنان و فلسطین» در مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما را برگزار، و بر پشتیبانی قاطع خود از مقاومت و مردم لبنان تأکید کردند. این اجلاس در قطعنامه پایانی خود با تأکید بر تشکیل کمیته‌ای برای رسیدگی به جنایات صهیونیست‌ها و محاکمه عوامل آن به کار خود پایان داد (روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۰۵/۱۱: ۲). همچنین در تاریخ دوشنبه ۱۳۸۵/۰۵/۱۶ همایش بین‌المللی «تجاوز رژیم صهیونیستی به لبنان؛ پیامدهای منطقه‌ای و جهانی» با حضور پنجاه متفکر و اندیشمند از سی کشور جهان در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد.

وزیر امور خارجه وقت ایران نیز پس از ورود به بیروت و دیدار و گفت‌وگوی جداگانه با رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس، نخست‌وزیر و همتای لبنانی خود و شرکت در دو کنفرانس خبری مشترک بر تداوم حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش مقاومت حزب‌الله و ملت لبنان تأکید کرد. وی در دیدار با نخست‌وزیر وقت لبنان، فؤاد سنیوره، حمایت ایران را از برخی بندهای هفت‌گانه طرح دولت سنیوره اعلام کرد؛ از جمله آتش‌بس فوری و بی‌قید و شرط، مبادله اسرا و بازگشت آوارگان. اما برخی نکات مربوط به نیروهای بین‌المللی ابراز نارضایتی کرد (مسعد، ۱۳۸۹: ۴۱۱).

۲-۲-۳- ارائه کمک‌های مالی و نظامی

دولت ایران همواره مساعدت‌های مالی و اقتصادی به لبنان و شیعیان این منطقه داشته‌است. باید گفت هدف ایران از این‌گونه کمک‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها در لبنان سودآوری و منفعت اقتصادی نبوده‌است؛ همان‌گونه که مقدار قابل توجهی از کمک‌های مالی و غیرمالی بعد از جنگ داخلی به شیعیان لبنان شد. در جریان جنگ سی و سه روزه نیز ایران کمک‌ها و مساعدت‌های فراوانی را به حزب‌الله لبنان داشت. این کمک‌ها از جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی و ارسال آن به لبنان،

فرستادن دارو و تجهیزات پزشکی، کمک به بازسازی لبنان و ... را شامل می‌شود.

در راستای اعطای کمک‌های مالی می‌توان به چنین مواردی اشاره کرد: رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر ۷۰ تن مواد غذایی شامل شکر، برنج، خرما، نان و کنسروهای مختلف به لبنان ارسال کرد (سایت شهید آوینی، روزشمار جنگ سی و سه روزه؛ هجدهمین روز، ۱۳۸۵/۰۵/۰۹). و همچنین جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران ۵۰ تن دارو و ۲۰ دستگاه آمبولانس به مناطق جنگ‌زده جنوب لبنان فرستاد (سایت شهید آوینی، روزشمار جنگ سی و سه روزه؛ هفدهمین روز، ۱۳۸۵/۰۵/۰۸). دکتر کامران باقری لنکرانی وزیر وقت بهداشت ایران در مکالمه تلفنی با وزیر بهداشت کشور لبنان ضمن محکوم کردن حملات رژیم اشغالگر قدس به مردم بی‌دفاع لبنان، بر آمادگی ایران برای انتقال و مداوای مجروحان در بیمارستان‌های جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد (روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۰۴/۲۶: ۳).

وجوهات شرعیه نیز یکی دیگر از راه‌های کمک‌رسانی ایران به حزب‌الله لبنان بود که ایران حتی قبل از انقلاب اسلامی نیز به این امر مبادرت داشته‌است. این وجوهات با اجازه مراجع تقلید صرف امور عمرانی و بهبود وضعیت شیعیان لبنان شد. بهترین نمونه برای بیان فعالیت‌های بازسازی دولت ایران بعد از جنگ سی و سه روزه، موضوع جاده‌سازی است که در این باره ۱۱ پروژه اساسی و مهم جاده‌سازی به‌طور کامل اجرا شد. در این خصوص آقای مهندس خوش‌نویس نماینده وقت دولت ایران در بازسازی لبنان می‌گوید: « ۱۶۵ کیلومتر از ۵۸۷ جاده فرعی و داخلی تکمیل شده و ۱۹۹ کیلومتر از بزرگراه بعلبک به بزالیه در حال تکمیل است. احداث ۱۰۹ کیلومتر از ۱۲ جاده دیگر نیز در حال مطالعه و بررسی است. ۶۱ کیلومتر از ۷۲ جاده دیگر نیز در حال اجراست. هم‌اکنون ۶۰ مدرسه به‌وسیله این هیئت در حال بازسازی می‌باشد که البته، در عمل این هیئت تاکنون ۱۴۰ مدرسه را بازسازی کرده‌است» (بیگی، ۱۳۸۹: ۲۵۵).

پ- سیاست خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی نسبت به حزب‌الله لبنان

۱- ویژگی‌های محیطی دولت‌های خاورمیانه عربی

۱-۱- ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی موافق حزب‌الله لبنان

محیط داخلی کشورهای موافق حزب‌الله لبنان را در مجموع می‌توان محیطی باثبات برشمرد؛

سوریه به عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا شناخته می‌شود و از لحاظ استراتژیک دارای اهمیت ویژه‌ای است (دفتر مطالعات بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷: ۱۸۴). با نگاه اجمالی به وضعیت کشورهای عرب خاورمیانه متوجه می‌شویم که فقط سوریه است که در بازی‌های سیاسی منطقه‌ای نقش مستقلی ایفا می‌کند و در عین حال صاحب دیدگاه خاص خود است؛ علاوه بر این ایدئولوژیک بودن سوریه (ایدئولوژی بعثی، یعنی ایدئولوژی ناسیونالیسم و سوسیالیسم) از عوامل تقویت و قدرت داخلی این رژیم است که به تقویت روحیه ملی منجر می‌شود. از لحاظ جمعیتی نیز دارای برتری نسبت به رژیم صهیونیستی، اردن و لبنان است. مجموع این عوامل فشارهای محیط داخلی را در دوره جنگ سی و سه روزه کمتر کرده و نوعی ثبات داخلی را به همراه داشت.

در خصوص محیط خارجی سوریه در دوره جنگ سی و سه روزه باید گفت بیش از هر عاملی همسایگی رژیم صهیونیستی بر این کشور تأثیر دارد. از آنجاکه ماهیت رژیم صهیونیستی ماهیتی تجاوزکارانه و چشم‌داشت به خاک دیگران است؛ همیشه تهدیدی راهبردی برای سوریه به‌شمار می‌آمده است. سوریه از سیاست واقع‌گرایانه استفاده کرده و در صحنه بین‌الملل به دنبال متحدانی است که از سوریه در برابر این رژیم حمایت کند. علاوه بر تهدیدهای رژیم صهیونیستی تیرگی روابط با عربستان و مصر نیز به سوءاستفاده آمریکا و رژیم صهیونیستی و بهره‌برداری از آن بر ضد سوریه منجر شده است. این تنش‌های جهانی و منطقه‌ای به نوعی بی‌ثباتی در محیط خارجی این کشور را به همراه داشته است (همان، ۱۳۸۷: ۲۹-۲۵).

محیط داخلی قطر را می‌توان به‌طور نسبی و تا حدودی محیط آرام و باثبات برشمرد. قطر در مرکز خلیج فارس قرار گرفته و از این لحاظ دارای موقعیت استراتژیک و حساسی است. نکته دیگر که قابل یادآوری است اینکه وضعیت خوب اقتصادی آرامش خاصی به زندگی ساکنان آن بخشیده است و فشارهای داخلی وارد بر این کشور را به حداقل می‌رساند. در دوره جنگ سی و سه روزه عوامل خارج از محیط مانند اختلافات مرزی با امارات عربی، عربستان و بحرین و همچنین بی‌ثباتی‌های ناشی از حمله رژیم صهیونیستی به خاک لبنان محیط خارجی قطر را تا حدی بی‌ثبات و همراه با تنش روبرو ساخته بود (علوی، ۱۳۷۴: ۸۸-۸۵).

محیط داخلی یمن در دوره جنگ سی و سه روزه و قبل از آن پیوسته در کشمکش و تعارض با دول همسایه به خصوص عربستان بوده و به همین دلیل ثبات چندانی را تجربه نکرده است؛ به علاوه یمن اغلب در موضعی تقریباً وابسته، تأثیر پذیرنده و بیشتر قربانی نیروهای خارجی بوده تا قادر به

ایستادگی در مقابل آنها. باین حال فشار کشورهای دیگر و نیروهای فراملی به طور مکرر در شکل دادن دلبخواهی به یمن ناموفق بوده‌اند. بنابراین یمن دارای روابط وابسته، اما معترض به محیط بیرونی خود بوده‌است (کریملو، ۱۳۸۳: ۲۹۹).

۱-۲- ویژگیهای محیط داخلی و خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی مخالف حزب‌الله لبنان

کشورهای مخالف حزب‌الله لبنان (مصر، عربستان و اردن)، از جمله بزرگ‌ترین کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شوند که دارای اهمیت استراتژیکی هستند و از دیرباز مطمع نظر قدرت‌های بزرگ قرار داشتند. راجع به عربستان برخورداری از منابع طبیعی، وجود حرمین شریفین و ثروت‌های عظیم نفت و گاز این کشور را در زمره کشورهای بانفوذ و قوی در منطقه قرار داده است (گودوین، ۱۳۸۳: ۹۱). مصر نیز یکی از بزرگ‌ترین کشورهای اسلامی قاره آفریقا و پرجمعیت‌ترین کشور عربی است و به لحاظ فرهنگ و تمدن از رشد و غنای کافی برخوردار است. در این کشور ساختار قومی محسوسی به چشم نمی‌خورد و از این رو تقسیم‌بندی قومی - مذهبی به شکل افراطی در آن به وجود نیامده‌است و از این لحاظ تنش‌های قومی زیادی وجود نداشته و در مجموع محیط داخلی باثباتی را دارد (کریم نیا، ۱۳۸۸: ۶۸). اردن نیز با وجود کمبودهایی که به لحاظ منابع و اقتصاد با آن مواجه است به دلیل برقراری ارتباطات گسترده با دولت‌های گوناگون، از ثباتی نسبی در داخل بهره‌مند است. بنابراین محیط داخلی این کشورها به نوعی باثبات محسوب می‌شوند. در مقابل محیط خارجی و جایگاه آنان در سیستم بین‌المللی همواره لغزنده و تحت‌تأثیر نحوه تنظیم روابط این دولت‌ها با قدرت‌های هژمون جهانی و بحران‌های منطقه‌ای بوده‌است، بنابراین محیط خارجی این دولت‌ها بی‌ثبات است. بنابراین سیاست خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی تحت‌تأثیر دو گروه از ویژگی‌های محیط داخل و محیط بین‌الملل قرار داشته و بر اساس آن شکل می‌گیرند. کنش متقابل میان ویژگی‌های محیط داخلی و خارجی نوعی الگوی رفتاری خاص را برای هر کشور رقم می‌زند. که در جدول ۳ نشان داده شده‌است.

جدول ۳- رابطه بین محیط داخلی و خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی موافق و مخالف حزب‌الله لبنان و شکل‌گیری الگوی رفتاری در جنگ سی و سه روزه لبنان

سیاست خارجی کشورهای مخالف حزب‌الله لبنان			سیاست خارجی کشورهای موافق حزب‌الله لبنان			دولت‌ها
اردن	عربستان	مصر	یمن	قطر	سوریه	محیط
اثبات	اثبات	اثبات	بی‌اثبات	اثبات	اثبات	محیط داخلی
بی‌اثبات	بی‌اثبات	بی‌اثبات	تقریباً اثبات	بی‌اثبات	بی‌اثبات	محیط خارجی
باتدبیر	باتدبیر	باتدبیر	سرزنده	باتدبیر	باتدبیر	نتیجه

منبع: نگارنده

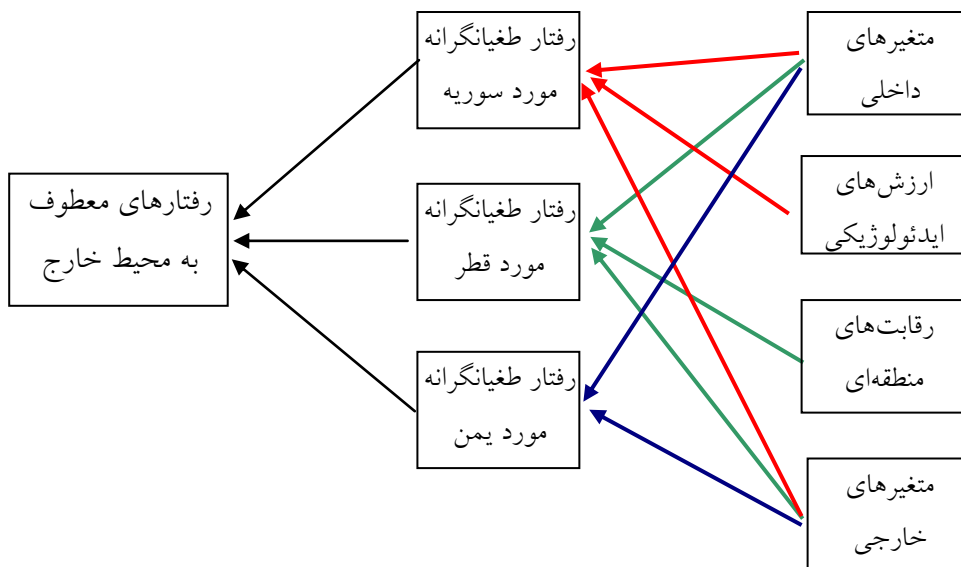
۲- مدل سیاست خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی نسبت به حزب‌الله لبنان

۲-۱- مدل سیاست خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی موافق حزب‌الله لبنان

تعامل و کنش متقابل محیط داخلی باثبات با محیط خارجی بی‌اثبات در این دولت‌ها، سیاست خارجی با تدبیر را نتیجه می‌دهد. در الگوی سیاست خارجی باتدبیر انتظار می‌رود که رفتار انطباقی رضایتمندانه شکل گیرد، یعنی در چنین موقعیتی واحد دولت به نحو رضایتمندانه‌ای تن به انطباق با محیط خارجی می‌دهد، اما درباره سوریه عامل سومی (علاوه بر دو عامل متغیرهای داخلی و خارجی) تحت عنوان متغیر ایدئولوژیکی که نتیجه سیاست‌های حزب بعث حاکم در این کشور است وارد می‌شود که به عدم قبول نظم جهانی از سوی این کشور و در نتیجه عدم همسویی رضایتمندانه با آن منجر می‌شود؛ بنابراین سوریه تن به انطباق با فشارهای محیطی نداده و الگوی رفتاری انطباقی طغیانگرایانه را در موضع‌گیری پیرامون جنگ سی و سه روزه برای تغییر محیط خارج برمی‌گزیند.

درباره دولت قطر نیز سیاست با تدبیر که نتیجه تعامل محیط داخل باثبات و محیط خارج بی‌ثبات است، تحت‌الشعاع عامل رقابت‌های منطقه‌ای به‌خصوص رقابت با عربستان سعودی قرار گرفته و به جای الگوی رفتاری انطباق رضایتمندانه، به اتخاذ الگوی رفتاری انطباق طغیانگرایانه به‌وسیله این دولت منجر می‌شود. درباره کشور یمن، محیط داخلی این دولت بی‌ثبات بوده و در تعامل با محیط خارج آن که تقریباً باثبات بوده است، سیاست خارجی سرزنده را نتیجه می‌دهد؛ بنابراین دولت یمن بر این اساس الگوی رفتاری انطباقی طغیانگرایانه و همسو با دو دولت قطر و سوریه را برمی‌گزیند. این شکل‌گیری الگوهای رفتاری در مدل زیر نشان داده شده است:

شکل ۵- مدل شکل‌گیری الگوی رفتاری انطباق طغیانگرایانه در سیاست خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی موافق حزب‌الله لبنان در دوره جنگ سی و سه روزه



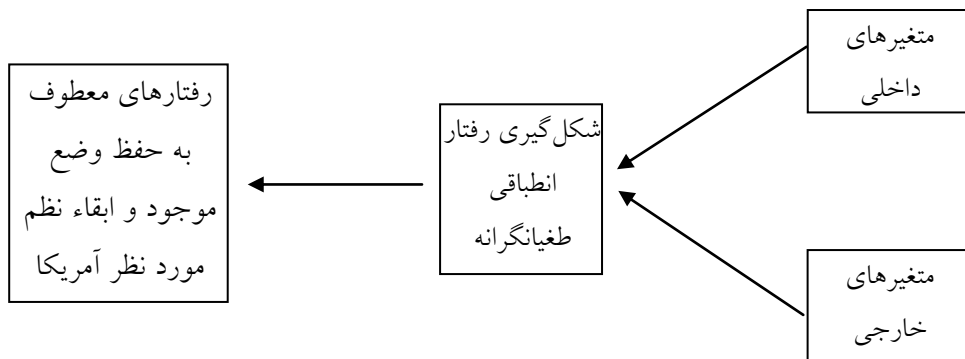
منبع: نگارنده

۲-۲- مدل سیاست خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی مخالف حزب‌الله لبنان

تعامل میان محیط داخلی باثبات این کشورها با محیط خارجی بی‌ثبات آنها که به‌خصوص با حمله رژیم صهیونیستی به لبنان متزلزل‌تر از پیش شده بود، به شکل‌گیری سیاست خارجی باتدبیر در این دولت‌ها منجر شد. این کشورها در محیط عملیاتی سیاست خارجی خود با دو نوع فشار ساختاری

عمده روبرو هستند. از بعد محیط خارجی مهم‌ترین فشار ساختاری مربوط به ساختارهای ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و همچنین فشارهای ژئواکونومیک در سطح سیستم جهانی می‌باشند. به دلیل جایگاه منطقه‌ای حساسیت‌های سیستم جهانی بر آنها افزایش یافته و لذا در معرض فرایندهای نفوذ و مداخله‌گرایی قدرت‌های موجود در ساختار سیستم جهانی قرار دارند. و فشارهای متعدد ناشی از ناکارآمدی چنین محیط‌هایی رفتار آنها را در حوزه سیاست خارجی تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد. علاوه بر آن پیوند میان این دو محیط امکان اتخاذ سیاست خارجی مستقل و پیگیری منافع استراتژیک ملی و منطقه‌ای را با مانع جدی روبرو می‌کند؛ لذا الگوهای رفتاری این کشورها در این قالب نظری قابلیت تحلیل و بررسی خواهد داشت.

شکل ۶- مدل شکل‌گیری الگوی رفتاری انطباقی در سیاست خارجی دولت‌های خاورمیانه عربی مخالف حزب الله لبنان در دوره جنگ سی و سه روزه



منبع: نگارنده

۳- مواضع سیاسی دولت‌های خاورمیانه عربی نسبت به جنگ سی و سه روزه لبنان

۳-۱- مواضع گیری رسانه‌ای و تبلیغاتی

۳-۱-۱- رسانه‌های نوشتاری، دیداری و شنیداری

دولت‌ها با بهره‌گیری از مطبوعات، روزنامه‌ها و رسانه‌های گوناگون، به اشاعه دیدگاه‌های خود پرداخته و مواضع خود را از این طریق نشان می‌دهند در اینجا به برخی از این مواضع که به واسطه

دولت‌های موافق و مخالف احراز شده اشاره می‌شود.

مطبوعات سوریه به شدت سکوت کشورهای عربی را در برابر حملات رژیم صهیونیستی به لبنان محکوم، و از حزب‌الله و مقاومت حمایت کردند (بشور، ۱۳۸۹: ۳۲۶). همچنین هم‌زمان با فتواهای نامناسب مطرح شده از جانب برخی فقهای اهل سنت به‌ویژه در عربستان، برخی دستگاه‌های اطلاع‌رسانی به گونه‌ای جانبدارانه و منافقانه عمل می‌کردند و نمی‌خواستند حقایق را بیان کنند مگر در زمان اضطرار. آنها حتی حقایق را بسیار بد و موذیانانه مطرح می‌کردند. فقط شبکه ماهواره‌ای قطری الجزیره و همچنین شبکه تلویزیونی المنار که سخنگوی اندیشه و عقیده حزب‌الله است از این امر مستثنی بودند و در این جنگ بسیار فعالانه عمل می‌کردند (المسفر، ۱۳۸۹: ۳۸۶).

همان‌طور که اشاره شد قطر در میان کشورهای عربی موضع متفاوت با عربستان، مصر و اردن اتخاذ کرد. این کشور که علاوه بر داشتن روابط تجاری با رژیم صهیونیستی، یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های نظامی ایالات متحده آمریکا است، برخلاف عربستان آشکارا از موضع حزب‌الله و مقاومت لبنان حمایت کرد و همین مسئله موجب ناخشنودی ایالات متحده آمریکا شد. قطر همچنین به شبکه الجزیره امکان داد که اخبار و تحلیل‌های جنگ را به صورت واقعی‌تر ارائه کند (مرکز القدس للدراسات السياسیه، ۱۳۸۵: ۵).

در مقابل رسانه‌های دولت‌های مخالف حزب‌الله، در سیاست‌های دولتی سعی در ارائه تصویر منفی از حزب‌الله و مقاومت آن داشته و به نوعی این جنگ را جنگ با اهدافی در سیاست‌های منطقه‌ای سوریه و ایران برمی‌شماردند و به این دلیل سعی می‌کردند مسئولیت عدم موضع‌گیری‌های منصفانه را توجیه کنند که در این میان بیشترین نقش را می‌توان از آن عربستان سعودی و شبکه العربیه وابسته به آن دانست (بلوردی، ۱۳۸۵: ۵۵).

۳-۱-۲- سازمان‌های دینی و علما

علما و روحانیون کشورهای مختلف از جمله گروه‌هایی بودند که با ارائه نظرگاه‌ها و نیز صدور فتوایشان می‌توانستند بر افکار عمومی و همچنین روند حمایت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از گروه‌های درگیر در جنگ و اهدافی که برای آن برشمرده می‌شد، تأثیر بسیار زیادی داشته باشند. در این میان برخی فتواها در حمایت از مقاومت لبنان و برخی هم راجع به سرکوب و دشمنی با این گروه صادر شده است. این نوع جبهه‌گیری‌ها نیز به مراتب نمایی از موضع دولت‌های منطقه و اعراب بود.

علمای سوریه برای حمایت از مقاومت در لبنان، بیانیه‌ها و فتاوایی صادر کردند و نیز در برابر بیانیه‌های (فتوا) دست‌نشانده‌های عرب که علیه لبنان صادر شد موضع‌گیری کردند (یوسف احمد، ۱۳۸۹: ۳۲۷). مفتی کل سوریه دکتر شیخ احمد بدرالدین حسون، از فتواهای تحریک‌کننده‌ای که تلاش می‌کنند تا به مقاومت ضربه‌بزنند و به دلیل شیعه‌بودن افراد آن، کمک به آنها را تحریم کردند انتقاد کرد و در بیانیه‌ای این‌گونه اعلام کرد که از لحاظ شرعی کسانی که فتواداده‌اند حق فتوادادن نداشته‌اند، زیرا آنان در مقام فتوادادن نبوده‌اند و اجازه این کار به افرادی معین داده شده است (آل قطیط، ۱۳۸۸: ۷۳).

برخی از فقهای اهل سنت در ریاض فتوایی صادر کردند که از چارچوب عادی در بحران‌ها پا را فراتر نهاده‌بود. این فتواها بیانگر موضع‌گیری‌های سیاسی‌اند نه موضع‌گیری دینی؛ زیرا این فتواها پس از موضع‌گیری سران سه کشور مصر، اردن و عربستان صادر شدند. آنها حزب‌الله را مسئول شعله‌ور شدن آتش جنگ در لبنان دانستند و به سرزنش حزب‌الله پرداختند. پس از آن در عربستان، بیانیه‌ای رسمی با نام یک منبع عربستانی صادر شد و سپس دیوان پادشاهی بیانیه‌ای در این خصوص صادر کرد و هر دو بیانیه، تأییدکننده سخنانی بودند که وزیر امور خارجه عربستان در قاهره بیان کرده بود (یوسف احمد، ۱۳۸۹: ۳۸۵).

مواضع و واکنش‌های مفتی‌های عربستان سعودی به‌عنوان نهادی مرتبط با ساختار قدرت سیاسی، با رویکرد دولت‌مردان سعودی در قبال بحران لبنان هماهنگی داشت. در فتوای دینی مفتی‌ها در هفته اول جنگ سی و سه روزه، حزب‌الله گروهی معرفی شد که مسئولیت کامل تجاوز اسرائیل به لبنان را برعهده دارد. عبدالله بن جبرین که پس از شیخ عبدالرحمن البراک دومین مرجع جنبش وهابیت محسوب می‌شود، با صدور فتوایی ضد حزب‌الله اعلام کرد که کمک به «حزب رافضی» و دعا برای پیروزی و موفقیت آن جایز نیست. هرچند مواضع دولت‌مردان و مفتی‌های سعودی به تدریج و در طول جنگ با حمایت افکار عمومی از حزب‌الله و موفقیت این حزب در برابر اسرائیل دچار تغییراتی شد، واکنش‌های اولیه سعودی‌ها اهداف و گرایش‌های واقعی آنها را به‌صورتی آشکار نشان داد (اسدی، ۱۳۸۶: ۷). فتوای دیگری از روحانی عربستان به نام سفر الحوالی صادر شد که طی آن حزب‌الله را حزب شیطان می‌نامد، روزنامه‌ی دعوت آهارونوت دو هفته پس از انتشار، این فتوا را تیتروکرد (عبده و رسولی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

۳-۲- موضوع گیری سیاسی، دیپلماتیک و نظامی

۳-۲-۱- دیدگاه‌ها و سیاست‌های حکومتی

سوریه هرچند بر اساس توافق نامه همکاری دوجانبه و دفاعی با لبنان مرتبط بود (افزون بر معاهده عربی)، شرایط و اوضاع داخلی و خارجی اجازه شرکت در جنگ به نفع حزب الله را به این کشور نمی‌داد و از این رو از کشیده شدن به جنگی که آمادگی ورود به آن را نداشت خودداری کرد. به ویژه آنکه به علت توافق نامه سوریه و ایران، اگر سوریه در معرض حمله قرار می‌گرفت پای ایران نیز به جنگ کشیده می‌شد. همه این محاسبات و گمانه‌زنی‌های دیگر، سوریه را وادار ساخت که از مداخله نظامی خودداری کند و به حمایت رسمی و دیپلماتیک و کمک‌های غیرعلنی اکتفا کند (عبده و رسولی، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

رقیب خلیج فارسی عربستان در منطقه یعنی قطر، توانست ابتکار عمل در صحنه سیاسی معادلات لبنان را به دست گیرد و افزایش نسبی جایگاهی در طول و پس از جنگ سی و سه روزه در منطقه و لبنان پیدا کرد. دولت قطر بر خلاف مثلث عربستان، مصر و اردن در جنگ سی و سه روزه، با محکوم کردن اظهارات برخی از سران کشورهای عربی علیه حزب الله سیاست حمایت از لبنان و مقاومت را برگزید. پس از آنکه کفه جنگ به سوی حزب الله سنگینی کرد قطر با نفوذ رسانه‌ای قابل توجه خود توانست از موضع جانبدارانه خود نسبت به حزب الله بیشترین بهره‌برداری سیاسی را نماید و جای پای جدیدی را برای خود باز کند (شیروانی، ۱۳۸۹: ۹۹).

در جریان این جنگ قطر رودروی عربستان قرار گرفت و سیاستی مغایر با سیاست این کشور اتخاذ، و در مقابل مقامات عربستان به شدت موضع گیری کرد. قطر ضمن حمایت از مقاومت، خواستار حفظ سلاح آن شد، در حالی که عربستان در اوایل جنگ، عملیات حزب الله را ماجراجویی حساب نشده دانست. با مقایسه حجم و اندازه کشور قطر با حجم و اندازه کشور عربستان می‌توان به عمق بحران رهبری در جهان عرب پی برد (عترسی، ۱۳۸۸: ۲۱۳). حمد بن جاسم آل ثانی وزیر امور خارجه قطر در زمان جنگ سی و سه روزه از موضع کشورهای عربی در برابر بحران خاورمیانه و درخواست آنها برای پایان دادن به حزب الله انتقاد کرد. وی موضع کشورهای عربی را چراغ سبزی به رژیم صهیونیستی برای حمله به لبنان دانست. وزیر امور خارجه وقت قطر درخصوص قطعنامه تصویب شده برای پایان درگیری‌ها (۱۷۰۱) نیز گفته بود: «در این قطعنامه منافع لبنان به طور کامل لحاظ نشده و وحدت، ثبات

و تمامیت ارضی لبنان به کل در نظر گرفته نشده است». وی تصریح کرده بود: «در آینده نه چندان دور، زمانی فراخواهد رسید که دیگر رهبران کشورهای اسلامی نیز همچون محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهور ایران خواستار محو اسرائیل از صفحه روزگار شوند» (سایت شهید آوینی). موضع دولت قطر را تا حدی می‌توان در زمره موضع‌گیری‌های واقع‌گرایانه در نظر گرفت، و هرچند در مواضع طرفدارانه قطر از حزب‌الله و مقاومت، رد پای منافع دولتی و منطقه‌ای برای خود این کشور دیده می‌شود.

رئیس جمهور یمن نیز در دیدار با سمیر قنطار از مقاومت حزب‌الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی طی جنگ سی و سه روزه ۲۰۰۶ میلادی تقدیر کرد و بر مواضع ضد صهیونیستی صنعا تأکید کرد (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۰۲/۰۲). علی عبدالله صالح رئیس جمهور وقت یمن در دیدار خود از قطر و در مصاحبه‌ای با شبکه قطری الجزیره درباره جنگ سی و سه روزه اعلام کرد آنچه در لبنان اتفاق افتاده است به دلیل نبود یکپارچگی اعراب است: «اگر اعراب یکپارچگی قوی تری داشتند، اسرائیل نمی‌توانست چنین فجایی را جلوی چشمان کشورهای عربی انجام دهد». او گفت که واکنش اعراب به وضعیت اسفناک لبنان، تنها محکومیت بوده است (روزنامه یمن آبرزور، جولای ۲۰۰۶ و سایت اسکای اسکرپیر).

سه کشور مصر، اردن و عربستان سعودی به عنوان سه محور فعال جهان عرب در برابر شیعیان، در ابتدای بحران لبنان با محکوم کردن حزب‌الله، این گروه را مسئول آغاز جنگ قلمداد کردند. در تاریخ جاری برای نخستین بار هم‌سویی منافع مشترک عربستان سعودی - مصر - اردن - اسرائیل و آمریکا به ائتلاف برای حمله به حماس و حزب‌الله... منجر شد. موضع‌گیری این کشورها به صورت آشکار نشان می‌دهد برای بی‌تأثیر کردن مقاومت اسلامی، میان آنان اتفاق نظر و هماهنگی وجود دارد (کاپلان، ۲۰۰۶: ۳).

محور اصلی سیاست مصری‌ها در جریان جنگ حزب‌الله و رژیم صهیونیستی، انتقاد از رژیم صهیونیستی و حمایت از دولت سنپوره بدون حمایت از حزب‌الله بود. مصر از تحرکات عرب‌محوری در جریان این بحران حمایت می‌کرد، اما از جریانات اسلام‌محوری و سازمان کنفرانس اسلامی چندان حمایت نمی‌کرد (انوشه، ۱۳۸۷: ۱۴۸). حسنی مبارک در ابتدای جنگ، علیه حزب‌الله موضع‌گیری کرد و اظهار داشت: «تشدید تنش‌ها در خاورمیانه، این منطقه را در آستانه ماجراجویی‌هایی قرار داده است که در خدمت منافع کشورهای عرب نیست» (رضوی و قاسمی، ۱۳۸۷: ۵۳). وی به‌طور غیرمستقیم از حزب‌الله به دلیل صدمه زدن به منافع اعراب انتقاد کرد و گفت: «آن‌هایی که می‌خواهند مصر برای دفاع

از لبنان یا حزب الله وارد جنگ شود، آگاه نیستند که هنگامه ماجراجویی برون مرزی به سرآمده است». وی در واکنش به درخواست مردم مصر برای قطع رابطه با رژیم صهیونیستی گفت: وجود کانال‌هایی برای تماس میان مصر و رژیم صهیونیستی در درجه اول و آخر در خدمت به منافع امت عربی و برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها و ایجاد نقاطی برای توافق است که منافع مشترک ما را تأمین کند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۷/۰۴/۲۸).

همچنین وی اظهار کرد: «رابطه مصر با اسرائیل به نفع مصر و جهان عرب است و از این طریق آنها کنترل می‌شوند و می‌توان ریزنی کرد». وی در پاسخ به فشار برخی مصری‌ها درباره حمله به اسرائیل گفت: «مصر هرگز به اسرائیل حمله نخواهد کرد و در صورت جنگ با اسرائیل، همه چیزمان را از دست خواهیم داد» (اخلاقی‌نیا، ۱۳۸۵).

حتی در مقابله با گروه‌های داخلی مصر که موافق حزب الله لبنان بودند، مقامات مصری حدود ۱۳۰ نفر از اعضای اخوان المسلمین مصر را به دلیل حمایت از مقاومت اسلامی و محکوم کردن رژیم صهیونیستی دستگیر کردند. این گروه با صدور اعلامیه‌ای از دولت‌های عربی خواسته بودند برای داوطلبان حضور در جنگ مقدس علیه اسرائیل راه را باز کنند (حجازی، ۱۳۸۵: ۱۸۶).

حاکمان سعودی نیز با انتشار بیانیه‌ای، ضمن مخالفت با حزب الله، اقدامات این گروه را ماجراجویی و به زیان منافع و دستاوردهای کشورهای عرب توصیف کردند. حمایت از دولت سینوره، انتقاد از حزب الله و محکوم کردن حمله رژیم صهیونیستی از جمله موضع‌گیری‌های دولت عربستان محسوب می‌شود (انوشه، ۱۳۸۷: ۱۴۹).

در کنار این موضع‌گیری رسمی عربستان که خبرگزاری رسمی این کشور به نقل از یک مقام مسئول منتشر کرد، مقامات عربستانی از جمله سعود الفیصل، وزیر خارجه وقت این کشور، نیز در چندین نوبت مواضع خود را علیه حزب الله و شیعیان ابراز داشتند. موضع‌گیری رسمی عربستان فقط به مقامات دولتی محدود نشد، حتی برخی شیوخ و شاهزاده‌های سعودی که مناصب حکومتی نیز دارند در تأکید بر موضع رسمی حکومت، در این بحران موضع‌گیری کردند. یکی از این افراد «صالح اللحیدان» رئیس شورای عالی قضات و عضو هیئت علمای بزرگ (کبارالعلماء) است که شیعیان جهان از جمله سه میلیون شیعه سعودی را به وابستگی به ایران متهم کرد. او با توصیف حزب الله به «حزب شیطان» کمک به آن را خطا و این گروه را عامل تمامی خرابی‌هایی دانست که لبنان در جریان این جنگ متحمل شد (بلوردی، ۱۳۸۵: ۵۱). عربستان سعودی اغلب در موضع‌گیری‌های سیاست خارجی

خود به گونه‌ای عمل می‌کند که مورد رضایت ایالات متحده آمریکا باشد. البته این موضع‌گیری‌ها با پوششی عربی که قابل توجه هم باشد آغاز می‌شود. نمونه چنین موضعی، «طرح عادی‌سازی روابط با اسرائیل است» (اسدی، ۱۳۸۶: ۷).

اردن از جمله کشورهای عربی مخالف حزب‌الله بود و با موضع‌گیری‌های خود در طول جنگ سی و سه روزه این موضوع را اثبات کرد. اردن در چارچوب بازی‌های منطقه‌ای کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، به همین دلیل در این بحران سعی کرد تا جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقا دهد. ملک عبدالله دوم پادشاه اردن نیز همسو با عربستان و مصر، حزب‌الله را آغازگر جنگ معرفی و اعلام کرد که اقدامات حزب‌الله مخالف منافع جهان عرب است و منطقه را به پنجاه سال قبل بازمی‌گرداند. شاه اردن نخستین کسی بود که از ایجاد یک هلال شیعی در خاورمیانه خبر داده و ادعا کرده بود این امر باعث بی‌ثباتی کشورهای منطقه می‌شود. بر اساس این ادعا، هلال شیعی از ایران شروع می‌شود و تا شیعیان سوریه امتداد پیدا می‌کند، به حزب‌الله می‌پیوندد و سرانجام حماس را در برمی‌گیرد. شاه اردن در اوایل جنگ به موازات محکوم کردن حملات اسرائیل، اقدامات حزب‌الله را به‌طور غیرمستقیم محکوم کرد و آن را برای منافع اعراب در منطقه زیان‌بخش دانست (رضوی و قاسمی، ۱۳۸۷: ۵۳).

درواقع مقامات این سه کشور عربی در این جنگ به مقابله با حزب‌الله پرداختند و رفتارهای سه کشور مهم عربی نشان می‌دهد که آنها برای مهار قدرت شیعیان حتی حاضرند اهداف استراتژیک رژیم صهیونیستی را نیز تأمین کنند و در برابر مقاومت حزب‌الله جبهه بگیرند (پور قیومی، ۱۳۸۷: ۷۹).

۳-۲-۲- برگزاری نشست‌ها و کنفرانس‌های سیاسی

در آغاز حمله رژیم صهیونیستی به لبنان، به رغم درخواست دولت یمن برای برگزاری نشست فوق‌العاده سران، دولت‌های عربی موافقت لازم را به‌عمل نیاوردند (یوسف احمد، ۱۳۸۹: ۲۳۳). صالح رئیس‌جمهور وقت یمن در این باره گفت: «متأسفانه اجلاس لغو شد فقط به دلیل اینکه تعداد کمی از کشورهای عربی ابتکار یمن را در برگزاری اجلاس پذیرفتند، بنابراین ما ناچار شدیم پیشنهاد خود را پس گرفته تا از عدم توافقات بیشتر میان کشورهای عربی جلوگیری شود». صالح فکرمی‌کرد نظرات مختلف کشورهای عربی باعث جلوگیری از برگزاری اجلاس شده است. او گفته است استدلال کشورهای مخالف برگزاری اجلاس آن بوده است که «آنها احساس می‌کردند آماده نیستند وارد جنگی

شوند که حزب الله برای اسارت دو نفر در مقابل اسارت ده هزار نفر اسیر عربی به راه انداخته است». صالح گفته بود «مسئله فقط ربودن دو سرباز نیست بلکه نقشه اسرائیل - ساخته است»، «نقشه ای برای خلق خاورمیانه جدید وجود دارد، که نه تنها برای مقاومت لبنان، سوریه و یا هر کشور عربی خطرناک است، بلکه نقشه تغییر منطقه به طور کلی است». عبدالله صالح اضافه کرده بود «به این علت است که ما برگزاری اجلاس اعراب را برای بحث درباره آتش بس، مذاکره با اسرائیل بر طبق تصمیمات اجلاس بیروت درخواست کرده ایم، به خصوص ابتکار شاه عبدالله بن عبدالعزیز» (روزنامه یمن آبزرور، جولای ۲۰۰۶ و سایت اسکای اسکریپر).

برخی از کشورهای عربی (عربستان، مصر و اردن) با هماهنگی تعدادی از کشورهای اروپایی طرح صلحی را در کنفرانس رم مطرح کردند. از مهم ترین مواد طرح هفت ماده ای کشورهای مصر، عربستان و اردن درباره بحران لبنان به منظور ارائه در نشست رم، آتش بس و تلاش برای خلع سلاح و تبدیل حزب الله به یک جنبش سیاسی بوده است (پورقیومی، ۱۳۸۷: ۸۰).

۳-۲-۳- اقدامات نظامی و مالی

درباره کمک های مالی و نظامی باید گفت که دولت هایی که مخالف حزب الله لبنان بودند، نه تنها به لحاظ معنوی و سیاسی در مقابله با این حزب عمل کردند، بلکه کمک مادی را به این حزب و در این جنگ حرام می دانستند. دبیرکل شورای امنیت ملی عربستان سعودی در دیدار با مقامات رژیم صهیونیستی در سرزمین های اشغالی از آنان خواست برای نابود کردن حزب الله به لبنان حمله کنند، در مقابل عربستان نیز تمام هزینه های این جنگ را می پردازد. اردن به همراه کویت به سفارت خانه های خود در لبنان آماده باش دادند و علاوه بر این رژیم اردن با جناح ۱۴ مارس در کنار آمریکا و عربستان قرار گرفت و ارتباطات مستقیمی را با این جناح برقرار کرد (زارعی، کیهان: ۸۵/۰۸/۱۷).

در کنار حمایت های همه جانبه ملت ها، فقط دولت های عربی حامی حزب الله، سوریه و با درجات پایین تر یمن و قطر بودند که عمده کمک های یمن و قطر جنبه معنوی داشته است، اما سوریه در سطح اجتماعی و انسانی به پذیرش ویژه بیش از ۲۵۰ هزار تن از لبنانی ها اقدام کرد که به دلیل جنگ به مهاجرت به سوریه ناچار شدند. علاوه بر این سوریه کمک های نظامی نیز به لبنان داشته است (بشور، ۱۳۸۹: ۶۴).

نتیجه‌گیری

تأثیرات جنگ سی و سه روزه به قدری گسترده بود که نه تنها در داخل لبنان بلکه در منطقه و محیط بین‌المللی نیز قابل تأمل است. در این میان موضع‌گیری دولت‌ها در قبال این جنگ از اهمیت زیادی برخوردار است. دولت‌ها بر اساس شرایط محیطی و برآیندی که از شرایط و نتایج حاصل از عملکرد سیاسی خود در سطح منطقه و بین‌الملل دارند به اتخاذ سیاست‌ها و مواضع گوناگون پرداختند.

مواضع دولت‌های عربی در قالب دسته‌بندی این دولت‌ها به موافق و مخالف حزب‌الله لبنان بررسی شد. دولت‌های مخالف شامل مثلث عربستان سعودی، مصر و اردن بودند. تعامل محیط داخلی با ثبات و محیط خارجی بی‌ثبات در این دولت‌ها سیاست خارجی با تدبیر را نتیجه می‌دهد در سیاست خارجی با تدبیر رفتار انطباقی رضایتمندانه شکل می‌گیرد و دولت رضایتمندانه به انطباق با محیط خارجی تن می‌دهد. بنابراین پیرو این سیاست دولت‌های عربی مخالف با حزب‌الله با توجه به برآیندی که از نتیجه جنگ برای خود داشتند، رژیم صهیونیستی را پیروز میدان می‌دانستند و به همین دلیل با چشمداشتی که به پادشاه‌های آمریکا و نتایج مطلوب مقابله با حزب‌الله داشتند، با نشان دادن چراغ سبزهایی مانند سکوت در برابر تهاجمات مرگ‌بار نظامی، امتناع از حمایت عملی در قبال حزب‌الله، سانسور شدید اخبار پیروزی‌های حزب‌الله و غیره برای تضعیف حزب‌الله لبنان گام برداشتند.

راجع به کشورهای عربی موافق حزب‌الله در دوره جنگ سی و سه روزه، سیاست خارجی حاصل از تعامل ویژگی‌های محیط داخل و خارج برای سوریه و قطر، الگوی رفتاری با تدبیر را نتیجه می‌داد، اما برای سوریه عامل ایدئولوژی و برای قطر رقابت‌های منطقه‌ای با همسایگان به‌خصوص با عربستان، به شکل‌گیری رفتار انطباقی طغیان‌گرایانه و مخالفت با نظم جهانی حاکم منجر شد و درباره یمن نیز سیاست خارجی سرزنده حاصل از محیط داخلی بی‌ثبات (به علت رقابت‌های منطقه‌ای به‌ویژه با عربستان) و محیط خارجی به‌طور تقریبی با ثبات (به دلیل حاشیه‌ای بودن یمن در منطقه خلیج فارس)، باز هم الگوی رفتاری طغیان‌گرایانه را به‌وجود آورد. بنابراین در سایه این نوع سیاست‌گذاری‌ها دولت‌های عربی سوریه، قطر و یمن با جبهه مقاومت همراه شدند و به دفاع از ملت مظلوم لبنان پرداختند. از جانب این دولت‌ها برای حمایت از مقاومت در لبنان بیانه‌ها و فتواهایی صادر شد و نیز در برابر فتوایی که علیه لبنان از سوی دست‌نشانده‌های عرب صادر شده بود، موضع‌گیری‌هایی

صورت گرفت. وزیران کشورهایمانند سوریه و یمن اعلام کردند اقدامات حزب الله ضد رژیم صهیونیستی، مشروع و درست است و با منشور سازمان ملل متحد تعارضی ندارد و در چارچوب قطعنامه‌های بین‌المللی درباره مبارزه مسلحانه ملت‌ها برای آزادسازی مردم و خاکشان است. قطری‌ها در طول جنگ آمادگی کشورشان را برای کمک‌رسانی به مردم لبنان و همچنین شرکت در اجلاس فوق‌العاده سازمان کنفرانس اسلامی اعلام کردند. حمد بن جاسم آل ثانی وزیر امور خارجه قطر در زمان جنگ سی و سه روزه از موضع کشورهای عرب در برابر بحران خاورمیانه و در خواست آنها برای پایان دادن به موجودیت حزب الله انتقاد کرد.

دولت ایران نیز بر مبنای کلیات سیاست خارجی خود و ایدئولوژی و آرمان اسلامی تعریف شده نظام مبنی بر حمایت از مظلومین و مقابله با ظلم و ستم، حمایت از حزب الله لبنان و مبارزه با رژیم صهیونیستی را سرلوحه برنامه خود قرار داده است. برآیند ویژگی‌های محیطی داخلی باثبات و ویژگی‌های محیطی خارجی بی‌ثبات ایران در دوره جنگ سی و سه روزه، به شکل‌گیری سیاست خارجی با تدبیر و رفتار رضایتمندانه در جهت منافع و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ می‌انجامید. اما ایران به دلیل متغیرهای ارزشی و ایدئولوژیکی خود، به جای رفتار رضایتمندانه در قبال سیاست‌های قدرت‌های بزرگ، رفتار انطباقی طغیانگرایانه در برابر نظم جهانی را برگزید و در این راستا موضع‌گیری اختصاصی ایران در قبال جنگ سی و سه روزه لبنان حاکی از حمایت‌های همه‌جانبه این دولت از حزب الله لبنان در تمامی عرصه‌ها و موضع‌گیری مثبت بود. روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های ایران پیوسته اخبار این رویداد را به اطلاع مردم رسانده و ابعاد جنایات گوناگون رژیم صهیونیستی را به‌نمایش گذاشتند. علاوه بر عملکردهای مذکور، فعالیت‌های تبلیغاتی مانند تهیه فیلم و مستند، گزارش و مقالات، ارائه فتوای مراجع و علما در حمایت از حزب الله لبنان نیز انجام شد. به لحاظ سیاسی و دیپلماتیک نیز مقامات ایرانی همواره مراتب حمایت خود را از این گروه ابراز داشتند و تجاوزات رژیم صهیونیستی را محکوم کردند. این همکاری در قالب جمع‌آوری کمک‌های نقدی و غیرنقدی، ارسال دارو و تجهیزات پزشکی، کمک به بازسازی و نوسازی لبنان نیز بوده است.

منابع

۱- منابع فارسی

- آل قطیط، هشام (۱۳۸۸)، *بیانیه‌ها و فتواهای حمایت از مقاومت اسلامی در لبنان*، ترجمه زینب، ش و زهرا اسحاقی، چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی.
- اخلاقی‌نیا، مهدی (۱۳۸۵)، «مواضع و دیدگاه‌های اخوان‌المسلمین مصر در جنگ سی و سه روزه لبنان»، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، شماره ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۵.
- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، «رویکرد عربستان سعودی در قبال شیعیان خاورمیانه: دلایل و زمینه‌ها». *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۶.
- المسفر، محمد (۱۳۸۹)، «پیامدهای جنگ در جهان عرب؛ بحث‌ها و تبادل نظرها»، در کتاب: *ویراستار: طاهره زارعی زواردهی، پیامدهای جنگ اسرائیل علیه لبنان (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)*، ترجمه محمدرضا بلوردی و صغری روستایی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- انوشه، ابراهیم (۱۳۸۸)، «جنگ سی و سه روزه لبنان و بازیگران آن»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره نخست، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۵۶-۱۳۹.
- بشور، معن (۱۳۸۹)، «پیامدهای جنگ بر لبنان»، در کتاب *ویراستار: طاهره زارعی زواردهی، پیامدهای جنگ اسرائیل علیه لبنان (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)*، ترجمه محمدرضا بلوردی و صغری روستایی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- بلوردی، محمدرضا (۱۳۸۵)، عربستان سعودی و جنگ رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله لبنان، *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۵.
- بیگی، مهدی (۱۳۸۹)، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)*، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پورقیومی، ایوب (۱۳۸۷)، *تأثیر جنگ سی و سه روزه بر سیاست خاورمیانه‌ای نومحافظه‌کاران آمریکا*،

چاپ اول، تهران: انتشارات اعتدال.

- حجازی، حامد (۱۳۸۵)، *یک لبنان مقاومت، یک اسرائیل ادعا، بررسی جنگ اسرائیل علیه لبنان و پیامدهای آن*، چاپ دوم. تهران: انتشارات بقیه‌العترة.

- دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه (۱۳۸۷)، *کتاب سبز سوریه*، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۳)، «سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا از منظر نوکارکردگرایی»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، شماره ۱۲، صص ۱۶۵-۱۴۳.

- رضوی، سلمان؛ و قاسمی، علی‌پاشا (۱۳۸۷)، *طعم تلخ بزرگ‌ترین شکست (جنگ ششم): آغاز سقوط رژیم صهیونیستی*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- زارعی، سعدالله (۱۳۸۵)، «حزب‌الله و پیروزی سیاسی جدید»، *روزنامه کیهان*، ۱۳۸۵/۸/۱۷، صفحه ۲.

- شیروانی، میثم (۱۳۸۹)، *قدرت نرم حزب‌الله، پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ سی و سه روزه*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- صفوی همای، سید حمزه (۱۳۸۷)، *کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- عبده، محمود و رسولی، حجت (۱۳۸۹)، «کشورهای عربی و جنگ سی و سه روزه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال هفدهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۹، صص ۱۶۸-۱۴۹.

- عتریزی، طلال (۱۳۸۸)، «جنگی که قاره‌ها را از جایشان تکان داد»، در کتاب *جمعی از نویسندگان، پیروزی مقاومت: پیامدهای راهبردی جنگ سی و سه روزه*، چاپ اول، ترجمه صغری روستایی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

- علوی، حسن، (۱۳۷۴)، *کتاب سبز قطر*، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

- عمیدی، عبدالله، (۱۳۸۷)، «برخورد پیام و رسانه در جنبش حزب‌الله لبنان»، *سوره*، شماره ۴۱.

- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۱)، «طرح مفهومی مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه*

- مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱، صص ۳۵-۵۸.
- _____ (۱۳۸۲)، «تأثیر ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل بر پدیده نظم در سیستم تابع خلیج فارس»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هفتم، شماره هفتم و هشتم، پیاپی ۱۸۸-۱۸۷ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲، صص ۴۰-۵۳.
- _____ (۱۳۸۶)، دیپلماسی و روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- _____ (۱۳۸۸)، اصول روابط بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- _____ (۱۳۸۹)، «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی خاورمیانه»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۵۷-۹۴.
- _____ قاسمی، فرهاد و صالحی، سید جواد (۱۳۸۷)، نگرشی تئوریک بر خلیج فارس و مسائل آن، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- _____ کاپلان، یوسف (۲۰۰۶)، «اعمال مشترک اسرائیل، آمریکا و رژیم‌های عربی». ترجمه احمد مرجانی‌نژاد، مجله بنی شفق (ترکیه)، تهران: مرکز رسانه‌های خارجی وزارت ارشاد اسلامی.
- _____ کریملو، داوود، (۱۳۸۳)، جمهوری یمن، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- _____ کریم‌نیا، حمید (۱۳۸۸)، «موقعیت مصر در مواجهه با سنت و لیبرالیسم»، فصلنامه مطالعات آفریقا، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- _____ گودوین، ویلیام (۱۳۸۳)، عربستان سعودی، ترجمه فاطمه شاداب، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- _____ مسعد، نیفین (۱۳۸۹)، «پیامدهای منطقه‌ای؛ ایران»، در کتاب: ویراستار: طاهره زارعی زواردهی، پیامدهای جنگ اسرائیل علیه لبنان (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)، ترجمه محمدرضا بلوردی و صغری روستایی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- _____ مرکز القدس للدراسات السياسیه، (۱۳۸۵)، «بررسی نتایج جنگ ششم»، ترجمه و تلخیص محمدرضا بلوردی، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام (ویژه جنگ سی و سه روزه)، سال هفتم، شماره ۲۶ و ۲۷.

- مقتدر، هوشنگ (۱۳۵۸)، *مباحثی پیرامون سیاست بین الملل و سیاست خارجی*، تهران: انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی.
- یوسف احمد، احمد (۱۳۸۹)، «پیامدهای جنگ در جهان عرب»، در کتاب ویراستار: طاهره زارع زواردهی، *پیامدهای جنگ اسرائیل علیه لبنان (داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی)*، ترجمه محمدرضا بلوردی و صغری روستایی، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- هالستی، کی جی (۱۳۷۳)، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، چاپ پنجم، تهران: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.

۲- منابع الکترونیکی

- آرشیو روزنامه کیهان.
- خبرگزاری فارس.
- خبرگزاری ایسنا.
- سایت خبری تحلیلی عصر ایران، ۱۳۹۱/۰۱/۳۱ و ۱۳۹۱/۰۳/۲۰.
- سایت شهید آوینی roozeh/DarMantaghe/Doost_Doshman.aspx
- سایت اسکای اسکریپر <http://www.skyscrapercity.com/showthread.php?t=380291>
- یمن نیوز، ۱۵ جولای ۲۰۰۶.
- http://www.newsyyemen.net/en/view_news.asp?sub_no=3_2006_07_15_6211

Iran and Arab Countries' Foreign Policy and Stances Towards the Lebanon 33-day War

Abbas Keshavarz Shokri^{1*}
Hajar Sadeqian²

Received on: 9/17/2013
Accepted on: 11/23/2013

Abstract

The objective of the present paper is to study the stances and policies of the governments of Iran and Arab countries towards the Lebanon 33-day war. The US and Western supporters of the Zionist regime expected to defeat Hezbollah within a week, but the 33-day calculated defense of Hezbollah forced the armed-to-the-teeth Zionist regime to accept the defeat. The countries of the region adopted different stances towards the war. Attempts have been made in the present paper to study different aspects of these stances through documentary method within the framework of Rosenau's foreign policy and international policymaking theory. The findings of the present paper show that the Islamic Republic of Iran's foreign policy is based on its internal and external environments and its ideological orientation. Hence Tehran announced its support for the resistance in political, cultural, publicity... arenas in the entire region. Among the Arab countries, six have been chosen that have had a more outstanding role during the 33-day war. The triangle of Saudi Arabia, Egypt and Jordan are classified as opponents of resistance that opposed the Lebanese war in the hope of the victory of Zionist regime and US. But countries such as Syria, Qatar and Yemen supported Lebanon. The official stances, diplomatic propaganda and religious propagation as well as the fatwas are among the stances to be studied in the present paper.

Keywords: Lebanon 33-day war, Hezbollah, Arab governments, Iranian governments, Middle East

1* . Assistant Professor, Shahed University,

(Corresponding Author: keshavarz@shahed.ac.ir)

2 . MA Sociology of Islamic Revolution, Shahed University